Fegh\_076\_13981225

بسم الله الرحمن الرحیم

درس خارج فقه استاد سید محمد جواد شبیری

جلسه ۷۶: یکشنبه ۲۵ اسفند ۱۳۹۸

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم

بسم الله الرحمن الرحیم

و به نستعین انه خیر ناصر و معین

الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی سیدنا و نبینا محمد و آله الطاهرین

و اللعن علی اعدائهم اجمعین من الآن الی قیام یوم الدین

در جلسات قبل در مورد عدّة زنی که رحمش را در آوردند صحبت‌هایی می‌کردیم. بعضی از دوستان سؤالاتی را مطرح کردند، به نظرم رسید در مورد این سؤالات صحبت کنیم، مناسب باشد.

یکی از، عین عبارت دوستمان را می‌خوانم. عبارت این هست. می‌گوید در توضیحی که شما از روایت حلبی از امام صادق علیه السلام می‌فرمایید چرا باید یک ماه صبر بکند این‌که خونی می‌آید یا نه؟

این روایت حلبی که می‌گوید اشاره به این روایت هست. روایت را بخوانم، بعد برگردم سؤال را بخوانم. روایت ۱۹ از باب ۳، از ابواب العدد، جلد ۲۷، صفحة ۲۱۶، رقم ۴۰۴۸۶.

عَنِ الْحَلَبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: عِدَّةُ الْمَرْأَةِ الَّتِي‏ لَا تَحِيضُ‏ وَ الْمُسْتَحَاضَةِ الَّتِي لَا تَطْهُرُ ثَلَاثَةُ أَشْهُرٍ

با این شروع می‌شود، آن قطعة مورد بحث ذیلش است.

... قَالَ‏ وَ سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ- إِنِ ارْتَبْتُمْ‏ مَا الرِّيبَةُ فَقَالَ مَا زَادَ عَلَى شَهْرٍ فَهُوَ رِيبَةٌ فَلْتَعْتَدَّ ثَلَاثَةَ أَشْهُرٍ وَ لْتَتْرُكِ الْحَيْضَ

اینجا در توضیحی که شما از روایت حلبی از امام صادق علیه السلام می‌فرمودید چرا باید یک ماه صبر بکنیم که خونی می‌آید یا نه؟ آیا این‌طور نیست که عادتاً زن قبل از این‌که به یأس شرعی برسد به یأس شخصی می‌رسد؟ یک ماه خونی توسط زن دیده نشود در بهترین حالت نشانة احتمالی هست بر این‌که زن یأس شخصی پیدا کرده. اما آیا تناسبی با یأس نوعی دارد که از جانب شارع در فرض شک در یأس نوعی معیار قرار داده شده است. حتی اگر بشود این مسئله را به نحوی توجیه کرد باز این نکته قرینه‌ای است بر این‌که این اماره، اماره بر یأس شخصی است، اگر چه به نحوی بتوان آن را با یأس نوعی نیز سازگار کرد. این سؤالی که این دوست ما مطرح کردند.

من نفهمیدم امارة بر یأس شخصی یعنی چی؟ یأس شخصی یعنی این‌که زن یأس دارد. زن حالت خودش را می‌داند. می‌داند که مأیوس هست یا مأیوس نیست. یأس شخصی یعنی این‌که، مأیوس هست یا مأیوس نیست. مگر این‌که بگوییم مراد از یأس شخصی یعنی این حالتی زن دارد که نوع افراد در مورد این زن شخصی به این معنا، شخص زن. نوع افراد در مورد این زن مأیوس هستند بر این‌که این خون ببیند. یعنی یأس شخصی به این معنا مثلاً مطرح کنیم که چون یأس شخصی را اینجوری، یأس نوع افراد نسبت به این شخص. اگر اینجوری بگیریم می‌شود گفتش که من چون نمی‌دانم کأنّ افراد دیگر هم این حالتی که من دارم، با این حالت از خون دیدن مأیوس می‌شوند یا مأیوس نمی‌شوند از خون دیدن، این خانمی که هست خودش مأیوس است ولی نمی‌داند این مأیوسیتی که هست، مأیوسیتی هست که خودش شخصاً مأیوس شده یا نوع زن‌های دیگر، نوع افراد دیگر هم مأیوس هستند. شارع مقدس ضابطه تعیین کرده گفته اگر یک ماه تأخیر افتاد، این یک ماه را بگو اشخاص دیگر هم اگر غیر من هم بودند آنها هم مأیوس می‌شدند از این‌که کأنّ زن خون ببیند.

ما قبلاً این را، اوّلاً اشاره کردیم حالا مجرد این‌که زن یک ماه خون ندیده آیا این یک ماه خون ندیده باعث می‌شود که این زن مأیوس بشود از این‌که دیگر خون نبیند. خب ممکن است حامله باشد. فرض این است که احتمال حامله بودن در موردش مطرح است. احتمال حامله بودن وقتی از اوّلش مطرح بوده، مجرد این‌که یک ماه خون نبیند، این باعث می‌شود که مأیوس بشود از این‌که خون ببیند؟ آن که ما توضیح می‌دادیم این شکلی توضیح نمی‌دادیم. ما بحثمان این بود، این روایت در مقام بیان این هست که زنی که احتمال می‌دهد یائسه شده باشد، یعنی احتمال می‌دهد به سن یأس رسیده باشد، مجرد این احتمال را شارع برایش ترتیب اثر نداده. گفته این احتمال در صورتی که مستقر بشود، در این صورت من احکام برایش بار می‌کنم. بعضی وقت‌ها مثلاً در مسئلة شکوک نماز، می‌گوید انسان یک مقداری باید صبر بکند برای آن‌که آن شکش مستقر بشود. به مجرد حدوث شک احکام شک را شما نمی‌توانید بار کنید. شک باید استقرار پیدا کند. اینجا هم این‌که زنی که مرتابه هست و با مرتابه بودن یک خودش را معتدّة به شهر بخواهد بداند، شارع مقدس می‌گوید نه، به مجرد این‌که شک در یأس کردید این شک در یأس باعث نمی‌شود بتوانید احکام ارتیاب را بار کنید، یعنی دیگر اصلاً نسبت به این‌که شاید عدة شما به حیض باشد هیچ‌گونه ترتیب اثر ندهید. جایی که احتمال دارد زن عده‌اش، عدة به قروء باشد و حیض در عده‌اش دخالت داشته باشد، این را باید فحص کنیم. این را جلسات قبل توضیح دادیم که این مربوط به فحص زن هست. اگر مربوط به فحص زن باشد این معنایش این هست که مجرد این‌که شما احتمال یائسه بودن را بدهید، یائسه بودن به معنای این‌که به سن یأس رسیدن، مجرد احتمال رسیدن به سن یأس را شارع موضوع برای عدم تفحّص و عدم فحص از حیض دیدن و حیض ندیدن قرار نداده. بلکه در صورتی که یک ماه حیضش تأخیر بیفتد، در این صورت این را موضوع قرار داده. اصلش شک در این‌که یائسه شده یا یائسه نشده آن شکش از جای دیگر است. این نه این‌که بعد از یک ماه تازه شک حاصل می‌شود. این می‌خواهد بگوید که مطلق الریبة کافی نیست. ریبه‌ای که مستقر شده. چون لغةً ریبة به معنای شک است. در چیزهای لغوی‌اش که یک ماه و غیر یک ماه ندارد. این‌که ریبه را به یک ماه تفسیر کردیم یک ضابطة شرعی هست، آن ضابطة شرعی برای استقرار شک است. یعنی این شک شما شارع مقدس به هر شکی ترتیب اثر نداده. اگر این شک یک شک مستقری شد که این استقرار را، شارع برایش ضابطه تعیین کرده که یک ماه که زن خون حیضش تأخیر افتاد این شکش مستقر می‌شود. با این استقرار شک، شارع اثر ارتیاب را که عده‌اش را عدة ماهانه قرار می‌دهد و دیگر اعتنایی به احتمال حیض دیدن که این احتمال حیض دیدن فحص از حیض دیدن را به دنبال می‌آورد این را بعد از یک ماه شارع این اثر را بار کرده. قبل از یک ماه این اثر را بار نکرده. پس بنابراین این، ما روایت را اینجور معنا می‌کردیم، به نظر هیچ مشکلی هم نمی‌آید که این معنایی که ما از روایت مطرح می‌کردیم. این‌که حتماً بگوییم مربوط به یأس شخصی هست و امثال اینها، این ربطی به یک ماه در یأس شخصی ندارد. فضلاً از یأس نوعی. ما هم نمی‌خواهیم بگوییم این یک ماه اماره هست بر این‌که یأس نوعی حاصل شده. نه، این یک ماه در واقع شارع مقدس در جایی که یک احتمال یائسه بودن، یک احتمال غیر قابل احتمالی باشد که یک نکتة خاصی در مورد این احتمال وجود نداشته باشد، به آن اثر بار نکرده. گفته این احتمال در جایی که یک منشاء عقلایی معتبر داشته باشد، به آن اثر بار کرده، میزانش هم خودش تعیین کرده، یک ماه یک امر عقلایی نیست، یک ضابطة شرعی هست برای استقرار ارتیاب.

سؤال دیگری که اینجا این دوست ما مطرح کردند، گفتند در روایت محمد بن ابی حمزه از محمد بن حُکِیم هم دو قسمت برای بنده حل نشده است.

روایت محمد بن ابی حمزه از محمد بن حُکِیم همان روایتی که بود در جامع احادیث نقل نشده بود و ما از کافی نقل کردیم. که البته یک مقداری مشابهش تا حدودی در نقل یونس از محمد بن حکیم هم هست. ولی آن‌که هست محمد بن ابی حمزه از محمد بن حُکِیم کافی، جلد ۶، صفحة ۱۰۱ هست. یک بار متن را می‌خوانم:

حُمَيْدُ بْنُ زِيَادٍ عَنِ ابْنِ سَمَاعَةَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حكيمٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ علیه السلام قَالَ: قُلْتُ لَهُ الْمَرْأَةُ الشَّابَّةُ الَّتِي تَحِيضُ مِثْلُهَا يُطَلِّقُهَا زَوْجُهَا فَيَرْتَفِعُ طَمْثُهَا كَمْ عِدَّتُهَا قَالَ ثَلَاثَةُ أَشْهُرٍ قُلْتُ فَإِنَّهَا ادَّعَتِ الْحَبَلَ بَعْدَ ثَلَاثَةِ أَشْهُرٍ قَالَ عِدَّتُهَا تِسْعَةُ أَشْهُرٍ قُلْتُ فَإِنَّهَا ادَّعَتِ الْحَبَلَ بَعْدَ تِسْعَةِ أَشْهُرٍ قَالَ إِنَّمَا الْحَبَلُ تِسْعَةُ أَشْهُرٍ قُلْتُ تَزَوَّجُ قَالَ تَحْتَاطُ بِثَلَاثَةِ أَشْهُرٍ قُلْتُ فَإِنَّهَا ادَّعَتْ بَعْدَ ثَلَاثَةِ أَشْهُرٍ قَالَ لَا رِيبَةَ عَلَيْهَا تَزَوَّجُ إِنْ شَاءَتْ.

اینجا سؤال دوست ما این هست. توضیحی که شما در فقرة تَحْتَاطُ بِثَلَاثَةِ أَشْهُرٍ می‌فرمودید برای بنده کامل حل نشد. احتیاط یعنی تحفّظ بر واقع در ظرف احتمال. وقتی می‌گوییم فلانی احتیاط کرد که خود او با وجود این‌که احتمال می‌دهد که مشکلی وجود نداشته باشد اما به احتمال وجود مشکل اعتنا کرده و بر واقع محتمل تحفظ می‌کند. اما در ما نحن فیه زن ادعای حمل دارد. نه این‌که شک داشته باشد. پس نمی‌توان گفت که زن باید احتیاط کند. در حالی که خود او شکی ندارد و اگر او ازدواج نکند ولو چون امام علیه السلام فرموده‌اند نمی‌گویند که او احتیاط کرد. پس به نظر می‌رسد که نقلی که در آن فضا، فضای شک زن است صحیح‌تر باشد.

این زنی که ادعای حمل می‌کند، این ادعا لازم نیست ادعای جزمی باشد. جزم به معنای جزمی که. اوّلا هیچ لازم نیست ادعایش، ادعای جزمی باشد و این جزمش می‌تواند همین مقداری که اطمینان داشته باشد کافی هست و اطمینان با شک هم می‌سازد. بنابراین کأن این روایت می‌تواند معنایش این باشد ولو اطمینان هم دارید که حامله هستید، چون اطمینان دارید که حامله هستید شارع مقدس این اطمینان را حجت قرار نداده. اطمینان زن حجت قرار نداده. در این جهت که دیگران می‌توانند احکام حامله بودن زن را بار نکنند، مثلاً شوهر اگر بخواهد مراجعه کند، حق مراجعه ندارد. ولو زن می‌گوید من حامله هستم، بنابراین هنوز عدة من سپری نشده، ولی نه، شارع مقدس اینجا حکم کرده که در واقع اطمینان زن را شارع معتبر ندانسته. وقتی معتبر ندانست، این ادعای زن مسموع نیست. ولی با وجودی که شارع مقدس اطمینان زن را معتبر ندانسته ولی نسبت به خود زن گفته که باید این ترتیب اثر بدهید و احتیاط کنید و احتیاط را برای خود زن لازم کرده و در جایی که. دو نکته را ابتدا عرض کنم، یک نکته این‌که من قبل از این‌که عبارت اینجا را معنا کنم، به ذیل عبارت بپردازم، این‌که این خانم بعد از یک سال هم می‌گوید «تَحْتَاطُ بِثَلَاثَةِ أَشْهُرٍ» می‌گوید «فَإِنَّهَا ادَّعَتْ بَعْدَ ثَلَاثَةِ أَشْهُرٍ قَالَ لَا رِيبَةَ عَلَيْهَا تَزَوَّجُ إِنْ شَاءَتْ». می‌گوید این خانم بعد از یک سال هم هنوز ادعا دارد که هنوز حامله است. هنوز ادعای حامله بودن هست. شارع مقدس می‌گوید اگر می‌خواهد می‌تواند برود ازدواج کند. این یعنی چی؟ یعنی در واقع شارع مقدس می‌گوید این ادعایش ادعای وسواسی است. ادعای نادرست است. شارع می‌خواهد این اطمینان را تخطئه کند. می‌گوید این اطمینان، اطمینان اشتباهی است به حامله بودن، قطعاً حامله نیست. نه تنها اطمینان به حامله بودنش بی‌جاست. شک در حامله بودنش هم نیست. هیچ تردیدی نیست که این طرف دیگر حامله نیست. بنابراین وقتی که تردیدی نیست در این‌که حامله نیست، این خانم نباید به این وساوس شیطانی اعتنا کند. هیچ شکی هم در مورد این خانم بر جا نیست. در واقع شارع مقدس با عبارت «لَا رِيبَةَ عَلَيْهَا تَزَوَّجُ إِنْ شَاءَتْ»، می‌خواهد آن ادعایی که این خانم کرده، این ادعا را تخطئه کند. تخطئه‌ای که اینجا هست، دو مرتبه تخطئه می‌تواند باشد. یک مرحله تخطئه این هست که اینجا در واقع همین معنا را ما در مورد قبلش هم می‌توانیم مطرح کنیم. یک نحوة تخطئة دیگر. خانمی هست بعد از ۹ ماه می‌گوید من حامله‌ام. شارع می‌گوید انما الحبل تسعة اشهر. یعنی به حسب نوع حبل تسعة اشهر هست، غالباً. این خیلی خیلی بعید است که این خانم حامله باشد. پس بنابراین، این‌که ادعا می‌کند کأنّ اطمینان دارد که حامله هست، این اطمینان شارع می‌خواهد با این انما الحبل تسعة اشهر اطمینان به حامله بودن را از بین ببرد. اطمینان به حامله بودن دو جور می‌شود از بین برد. یکی این‌که می‌گوید نه تنها اطمینان به حامله بودن نباید باشد، باید اطمینان بکند حامله نیست. این یک جور است که آن در ذیل روایت همین هست که بعد از یک سال نه تنها اطمینان به حامله بودن مطرح نیست، هیچ‌گونه احتمال حاملگی هم نیست. لا ریبة علیها. هیچ شکی در این مطلب مطرح نیست. اصلاً اطمینان که هیچی، شکی به حامله بودنش هم نیست، تمام.

اما قبل از ۹ ماه، یعنی در فاصلة ۹ ماه تا یک سال، هرچند شارع مقدس به دلیل این‌که نوعاً حاملگی ۹ ماه هست، ممکن است بگوییم بعد از ۹ ماه می‌گوید عدة زن سپری شده. به این معنا که می‌گوید این ادعایش مسموع نیست، بنابراین شوهر نمی‌تواند ترتیب اثر بدهد بگوید این زن هنوز در عده هست من می‌توانم به او مراجعه کنم احکام رجوع را بار کنم. نه این احکام رجوع را نمی‌تواند شوهر بار کند. ولی خود زن هم باید احتیاط کند. چون هنوز احتمال می‌دهد حامله باشد. یعنی در فاصلة ۹ ماه تا یک سال احتمال ضعیف به حامله بودن هست. هرچند، یعنی در واقع شارع مقدس در فاصلة ۹ ماه تا یک سال ادعای زن نسبت به حامله بودن را می‌خواهد برطرف کند، این ادعا را که، ادعایی که فرض کنیم اگر واقعیت هم داشته باشد که ناشی از اطمینان خود زن هست، می‌خواهد این اطمینان زن به حامله بودن را به احتمال ضعیف حامله بودن تبدیل کند. یعنی این اطمینان ناشی از یک نکاتی هست. فرض کنید چیزی در شکمش دارد حرکت می‌کند، امثال اینها، شکمش چاق شده، می‌خواهد بگوید نه این می‌تواند باد شکم باشد، امثال اینها. یک عوامل دیگری که باعث شده باشد این شکمش آب آورده باشد، امثال اینها. این احتمالات وجود دارد. ولی یک احتمال ضعیفی هم وجود دارد که حامله باشد. این احتمال ضعیف در حامله بودن را شارع مقدس برای جواز ازدواج منشاء اثر قرار داده. گفته این خانم باید احتیاط کند. حالا یا باید مستحب است. من در آن جهت باید یا این‌که این تحتاط امرش، امر وجوبی است یا امر استحبابی است آن را خیلی الآن نمی‌خواهم در موردش صحبت کنم. فرض کنید اگر شارع مقدس بگوید باید احتیاط کند. اگر هم می‌خواهد بگوید باید احتیاط کند این معنایش این است که شارع مقدس ادعای زن را تبدیل کرده است به احتمال ضعیف، ولو اینجا احتمال ضعیف است. این احتمال ضعیف باعث می‌شود که سه ماه احتیاط کند. ولی بعد از سه ماه دیگر حتی این احتمال ضعیف هم وجود ندارد، حتی احتیاط هم وجود ندارد. تزوج ان شائت که در ذیل هست آن این است احتیاطی که ما در فاصلة ۹ ماه تا یک سال گفتیم آن احتمال جا ندارد که قبلاً هم این اشاره کردم که این روایت را ازش استفاده می‌شود منتهای حمل یک سال است. بعد از یک سال حمل امکان‌پذیر نیست، زن اصلاً حامله نیست ولی در فاصلة ۹ ماه تا یک سال احتمال ضعیف حامله بودن هست، این احتمال ضعیف حامله بودن ممکن است بعضی از احکام برایش مترتب باشد. آن احکام عدم جواز ازدواج، یا استحباب عدم ازدواج باشد.

ادامة نکته‌ای را که دوست ما دارد را برایتان بخوانم. ایشان می‌فرمایند طبق نقل. پس بنابراین زن ولو ادعا می‌کند اطمینان دارد، در واقع شارع مقدس می‌خواهد این اطمینان زن را از زن بگیرد. بعد می‌گوید طبق نقل این روایت به نظرم فراز تزوج ان شائت چندان موجه نیست. اگر زن ادعای حمل دارد و شما در مقام قضا می‌فرمایید که ادعایش مسموع نیست، به طور طبیعی نباید به عنوان اولین نتیجه رد ادعای او چیز را مطرح کنید که کاملاً به نفع اوست. این بعد از یک سال دیگر بحث قضایی نیست، ادعایش مسموع نیست، نیست. بعد از یک سال شارع مقدس می‌گوید اصلاً احتمالش هم ندهد. حالا اگر پیش از آن به جای عبارت لا ریبة، عبارت مثل لا یسمع دعواه داشت می‌گفتیم با وجود این‌که قرینة بالا ظاهر در این است که ... ۲۷:۱۰، اما مسئله این است که لا ریبة علیها هم ظاهر در این است که فضا، فضای شک است.

نه لاریبة اصلاً فضای شک نیست. لا ریبة علیها یعنی هیچ شکی وجود ندارد. چطور فضا، فضای شک است. نکته‌ای که اینجا وجود دارد، آن این است که زن ادعا می‌کند که من حامله هستم. این ادعا را شارع می‌خواهد تنبیه بدهد که این ادعایت بی‌جاست. این تنبیه دادن به ۲ گونه انجام می‌شود. از یک طرف شارع مقدس به زن گوشزد می‌کند که شما در فاصلة ۹ ماه تا یک سال این ادعا، ادعای بسیار بعیدی است. چون ادعای بسیار بعیدی است، به زن گوشزد می‌کند که حرفت خیلی خیلی بعید است. بنابراین از این ادعایت دست بکش، بله یک احتمال ضعیفی وجود دارد، به خاطر این احتمال ضعیف، احتیاط در سه ماهه جا دارد. ولی این احتیاط سه ماهه در صورتی هست که در فاصلة ۹ ماه و یک سال. اما بعد از یک سال حتی این احتمال ضعیف هم جا ندارد. پس ادعایت هیچ وجهی ندارد. البته عرض کردم آنجا شارع مقدس چون ۹ ماه را امارة نوعاً حاملگی زن بیش از ۹ ماه طول نمی‌کشد آن را می‌توند اماره قرار داده باشد و ادعای زن را اصلاً قبول نکند. بگوید ادعایی که زن دارد این ادعا مسموع نیست. ولی این ادعای زن که مسموع نیست یک بحث است، بحث دیگر این هست که فوقش این است که ادعا که مسموع نیست یعنی در واقع شارع مقدس اینجا دو تا کار می‌خواهد بکند. یک کار این است که ادعای زن را مسموع نمی‌داند. از جانب دیگر یک امر تکوینی را می‌خواهد محقق کند. می‌خواهد زن را تنبیه بدهد که حرفت، حرف بی‌خودی است، حرفت، حرف مخالف واقعی است. زن مطمئن به حامله بودن را از اطمینان بیندازد. که البته در ۹ ماه نتیجة از اطمینان به حامله بودن این‌که از اطمینان به حامله بودن بیفتد این هست که احتمال ضعیفی بر حامله بودن برایش ایجاد بشود، بعد از یک سال حتی این احتمال ضعیف هم در کار نخواهد بود. بنابراین به نظر می‌رسد که مشکلی در این بحث نیست.

حالا البته لازم نیست این روایت را فضایش را به فضای شک و امثال اینها رجوع بدهیم و در آن فضا قرار بدهیم. این بحث تمام

یک نکته‌ای را هم در ادامة آن بحثی که مطرح می‌کردم عرض بکنم. در پرسشی که این دوست ما هست به کلمة لا ریبة علیها، به کلمة علیها هم تمسک کرده که این چرا کلمة علیها به کار برده شده؟

عرض ما این هست که این زن ادعاء حامله بودن که می‌کند، این ادعایش ناشی از این است که تخیل می‌کند حامله است. این تخیل حامله بودن باعث می‌شود که یک امر سختی به دوشش بیاید، یعنی نتواند ازدواج کند. شارع مقدس می‌خواهد بگوید که این ادعا و این اطمینانی که هست که باعث می‌شود که یک امر سختی به عهده‌اش بیاید، این‌که بی‌جا هست، شکی بر علیه خودش هم نباید داشته باشد. یعنی اگر شک هم می‌کند کأنّ این شک، شک غیر عقلایی است. شک ناشی از وسواسی است، لا ریبة علیها یعنی ای خانم بعد از یک سال اطمینان به حامله بودن که هیچ، شک در حامله بودنی که منشاء می‌شود خودت را از ازدواج کردن محروم کنی و جواز ازدواج کردن را برای خودت قائل نباشی این را هم نباید داشته باشی. تزوجت ان شائت، یعنی مانعی ندارد ازدواج کند. پس بنابراین کلمة لا ریبة علیها هم، کلمة علیها هم مشکلی نیست. علیها به اعتبار این هست که کأنّ این شکی، چون اگر شک بکند این شک بر علیه‌اش است. اگر شک هم داشته باشد، بر علیه‌اش است منشاء می‌شود که نتواند ازدواج کند. که شارع می‌گوید، کأن این شک و تردیدها اینها وسواسی است. البته این وسواسی به آن معنا هم نیست. یک مقداری ناشی از فضای سنی‌هاست که آنها حرف‌هایی را مطرح می‌کردند که می‌شود بیش از یک سال هم زن حامله باشد. شارع مقدس می‌گوید حداکثر ازدواج یک سال هست، بیش از یک سال به هیچ وجه وجود ندارد، در همین یکی از روایت‌های محمد بن حُکِیم قبلاً خواندیم که اگر بعد از یک سال ولو به ساعةٍ هم بچه‌ای بیاورد لا تصدق دعواه، دعوایش به هیچ وقت تصویب نمی‌شود که ما احتمال می‌دادیم یک نوع نقل به معنای همین روایت مورد بحث ما باشد. بنابراین لا ریبة علیها آن هم مشکلی با آن تفسیری که ما می‌کردیم ندارد.

و صلی الله علی سیدنا و نبینا محمد و آل محمد

پایان